

DOR: 20.1001.1.26455714.1402.7.1.5.9

## Investigating the interpretive methods of the commentators in the interpretation of verse 44 of Surah Al-Isra'

(Received:2023-02-20 Accepted:2023-06.05)

ayyub amraei<sup>1</sup>, mohammadhadei seyfei<sup>2</sup>

### Abstract

Verse 44 of Al-Karimah of Surah Esra, referring to the general glorification of beings, has provoked many and sometimes conflicting discussions among commentators due to its deep theological and mystical dimensions. Some commentators have ruled out the possibility of real glorification for creatures based on rational arguments and have proved that the meaning of the verse is virtual glorification, which conflicts with the appearance of many authentic traditions. On the other hand, many commentators believe that all the creatures of the world have knowledge, intelligence, and life, as well as the meaning of glorification, is true glorification. One of the ways to disclose the true and correct meaning of the verse is to examine the correct method of interpretation considering the principles of interpretation. This study aims to identify the most complete perspective and its causes by using the descriptive-analytical method and the comparative comparison of the interpretative method of authentic interpretations, among the most important interpretations of Fariqin in all kinds of narrative, theological, and mystical tendencies. Based on this, the results indicated that the interpretation method of Allameh Tabatabai (may Allah be pleased with him) in Tafsir al-Mizan due to the application of correct principles of interpretation, such as “interpreting the Qur’an to the Qur’an”, “consideration in the context of the verse”, “using a rational method in verbal arguments, and “narrative citation and alignment of viewpoints with authentic narrations under the verse” is considered the most comprehensive methods.

**Keywords:** The Holy Qur’an, Surah Isra’, The general glorification of beings, Commentators, principles interpretation

1) Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Ayatollah Borujerdi University, Borujerd, Iran (The Corresponding Author) Email: a.amraei@abru.ac.ir

2) Master’s student, Qur’anic and Hadith Sciences, Shiraz College of Quranic Sciences, Shiraz, Iran Email: haniff1360@gmail.com



# نقد و بررسی روش مفسران در تفسیر آیه (تَسْبِیحُ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ...) (اسراء/ ۴۴)

(تاریخ دریافت ۱۴۰۱-۱۲-۰۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲-۰۳-۰۵)

ایوب امرائی<sup>۱</sup>، محمدهادی سیفی<sup>۲</sup>

## چکیده

آیه کریمه ۴۴ سوره اسراء، که به تسبیح عمومی موجودات اشاره دارد، بدلیل در بر داشتن ابعاد عمیق کلامی و عرفانی، مباحث فراوان و بعضاً متعارضی را میان مفسرین برانگیخته است. برخی مفسرین با استناد به براهین عقلی امکان تسبیح حقیقی برای موجودات را منتفی دانسته و دلالت آیه را بر تسبیح حالی و مجازی اثبات نموده‌اند که با ظاهر بسیاری از روایات معتبر در تعارض است. از سوی دیگر تنی چند از مفسران معتقدند همه مخلوقات عالم دارای علم، شعور و حیات بوده و مقصود از تسبیح، تسبیح حقیقی است. یکی از راه‌های کشف معنای حقیقی و صحیح آیه، تفحص از روش تفسیری صحیحی است که بر قواعد و اصول تفسیری استوار باشد. این پژوهش بر آن است تا با بهره‌گیری از روش توصیفی-تحلیلی و مقایسه تطبیقی روش تفسیری تفاسیر معتبر، از مهم‌ترین تفاسیر فریقین در انواع گرایش‌های روایی، کلامی و عرفانی کامل‌ترین دیدگاه و علل آن‌را شناسایی نماید. بر این اساس، نتایج به دست آمده حکایت از آن دارد که روش تفسیری علامه طباطبائی(ره) در تفسیر المیزان به سبب کاربست اصول و قواعد صحیح تفسیری از قبیل «تفسیر قرآن به قرآن»، «تدبر در سیاق آیه»، «به کارگیری روش عقلی در استدلال کلامی»، «استناد روایی و همسویی دیدگاه با روایات معتبر موجود در ذیل آیه»، جامع‌ترین روش‌ها به شمار می‌آید.

**واژگان کلیدی:** قرآن کریم، سوره اسراء، تسبیح عمومی موجودات، مفسران، اصول و قواعد تفسیر.

(۱) استادیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه آیت الله بروجردی(ره)، بروجرد، ایران(نویسنده مسئول). ایمیل: a.amraei@abru.ac.ir  
(۲) دانشجوی کارشناسی ارشد، علوم قرآن و حدیث، دانشکده علوم قرآنی شیراز، شیراز، ایران. ایمیل: haniff1360@gmail.com

## ۱. مقدمه

قرآن کریم به عنوان بهترین راهنما برای درست زیستن انسان‌ها، سرشار از ناب‌ترین آموزه‌های وحیانی جهت ارتقاء بینشی و رفتاری انسان‌ها در عالم ناسوتی است. از جمله ارکان مورد نیاز جهت فهم درست کلام وحی روش‌مندی آن است که مورد توافق همه قرآن‌پژوهان است. روش هر علم از ارکان اساسی آن علم به شمار می‌آید و علامه طباطبایی در اهمیت این بحث گفته‌اند: «اگر کسی با روش نادرست به تفسیر قرآن بپردازد هر چند به نتیجه درستی نائل آید، باز هم کار وی مصداق «تفسیر به رأی» شمرده می‌شود که از آن نهی شده است. (طباطبایی، بی‌تا: ۷۵/۳) یکی از آیاتی که برای تذکر و تنبّه و ارشاد و هدایت خلق می‌توان از آن یاد نمود آیه ۴۴ سوره مبارکه اسراء است: ﴿تَسْبِيحٌ لَهُ السَّمَاوَاتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا﴾ این آیه به معرکه‌ای برای ارائه دیدگاه‌های مختلف در باب نوع تسبیح موجودات میان مفسران شده است. البته مباحث گسترده‌ای ذیل این آیه و آیات دربردارنده تسبیح موجودات مانند سوره «نور» و «حدید» مطرح گردیده که تمرکز مفسرین برای پرداختن به این بحث بیشتر در سوره «اسراء» رقم خورده است، زیرا ظاهر این آیه بر تسبیح موجودات تأکید و صراحت بیشتری دارد. پیشینه و خاستگاه مباحث تسبیح زبانی و حالی در روایات و تفاسیر فریقین قابل ردیابی و مطالعه است. روایات متواتر و فراوانی از پیامبر (ص) و معصومین (ع) در تفاسیر روایی نقل شده که بر تسبیح زبانی تمامی موجودات اعم از جمادات و نباتات و حیوانات تصریح دارد. تفاسیر مختلف عرفانی، اجتهادی و کلامی هر یک بر اساس روش و گرایش مختص به خود تسبیح موجودات را به یکی از انواع نامبرده تفسیر کرده و ادله خود را آورده‌اند. علامه طباطبایی نیز در این زمینه نظری جامع دارد که آن را با دلایلی بدیع اثبات می‌نماید. پژوهش حاضر به مقایسه روش‌های تفسیری مفسران مهمترین تفاسیر فریقین ذیل آیه ۴۴ سوره مبارکه اسراء پرداخته و در صدد پاسخگویی به سوالات پیرامون آن در قالب وجوه کلامی، روایی و عرفانی است تا جامع‌ترین روش را جهت فهم دقیق و درست آیه شناسایی نماید. لذا این مقاله به دنبال پاسخ به پرسش‌های زیر است:

۱. مفسران با استمداد از کدام روش‌های تفسیری، به تفسیر آیه ۴۴ سوره اسراء پرداخته‌اند؟
۲. جامع‌ترین روش تفسیری و دیدگاه در خصوص تفسیر آیه مذکور از آن کدام مفسر است؟

### ۱.۱. پیشینه پژوهش

پژوهش‌هایی که تاکنون در این حوزه انجام شده‌اند عبارتند از:

۱. مقاله «تسبیح عمومی موجودات غیر ذی شعور از دیدگاه قرآن» نوشته امرالله معین و دیگران، انتشار یافته در مجله پژوهش‌نامه معارف قرآنی (۱۳۹۳)، که در آن ضمن بررسی

محدوده تسبیح موجودات، و ارائه دیدگاه‌ها در این خصوص، منتج به ارادی، آگاهانه و حقیقی بودن تسبیح موجودات شده است.

۲. مقاله «تبیین مبانی تسبیح موجودات از منظر علامه طباطبایی در المیزان»، به قلم صدیقه السادات هاشمی پور، منتشر شده در مجله معرفت (۱۳۹۳)، که این مقاله در صدد تبیین تسبیح موجودات از منظر علامه طباطبائی برآمده است. تشریح مبانی تسبیح موجودات با تکیه بر پایه‌ها و زیرساخت‌های آن در اندیشه عرفانی تفسیری علامه بخش قابل توجهی از این مقاله است.

۳. پایان‌نامه‌ای با عنوان «مبانی تفسیری، فلسفی و عرفانی تسبیح موجودات از منظر امام خمینی (س) و علامه طباطبایی (ره)» نگارش شده توسط نجیب‌الله تابش (۱۳۸۹)، با راهنمایی محسن غرویان در جامعه المصطفی العالمیه، به بیان دیدگاه تفسیری، فلسفی و عرفانی امام خمینی و علامه طباطبایی درباره تسبیح موجودات پرداخته، و معتقد است: که اندیشه‌های امام خمینی و علامه طباطبایی متأثر از حکمت متعالیه و تفاسیر عرفانی و عقلی شیعه بوده، لذا نظرات آن‌ها را به هم نزدیک است.

اما تفاوت پژوهش حاضر با مقالات پیشین در آن است که پژوهش‌های پیشین بیشتر دارای رویکرد فلسفی و عرفانی بوده، و هیچکدام به موضوع روش‌شناسی تفسیری نپرداخته‌اند. در حالی که این پژوهش بر آن است تا با نوعی نگاه روش‌شناختی و درون‌رشته‌ای و با بررسی و ارزیابی روش‌های تفسیری مفسران، روش جامع در تفسیر آیه مذکور جهت فهم آن استخراج نماید.

## ۲. روش‌شناسی تفاسیر روایی

در تفاسیر روایی متقدم و متأخر شیعه و اهل سنت، روایات فراوانی ذیل آیه مذکور آمده است. برخی روایات در مقام بیان مصادیق موجوداتی هستند که مشمول قاعده تسبیح عمومی قرار می‌گیرند و برخی نیز در صدد تبیین کیفیت تسبیح برآمده‌اند.

### ۲.۱. مصادق‌یابی تسبیح بر مبنای روایات

برخی از مفسران امثال طبری، ابن کثیر و ثعلبی در تفاسیر روایی خود، در صدد کشف مصادق عبارت «وإن من شیء» برآمده‌اند. به این معنی که عده‌ای از مفسران تمامی مخلوقات را اعم از جاندار و غیر جاندار مشمول آیه دانسته، و برخی دیگر، مصادق «إن من شیء» را در نوعی از مخلوقات محصور نموده‌اند. از نمونه اول از ابن عباس نقل شده که مراد از «وإن من شیء» هر موجود زنده‌ای است؛ طبری در ذیل تفسیر «وإن من شیء» روایتی را آورده که هر چیزی روح دارد (به همین علت تسبیح می‌گوید) و همچنین درخت تسبیح می‌گوید، ستون (جمادات) نیز تسبیح می‌گویند. (طبری، ۱۴۱۲ق: ۱۵) برخی هم آسمان‌های

هفت گانه و زمین و تمامی مخلوقات را مراد دانسته‌اند. (ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۵)

در نمونه دوم، بر اساس اقوالی از قتاده و عکرمة، شمولیت تسبیح را متعلق به حیوانات و گیاهان دانسته و جمادات را از دایره تسبیح خارج نموده‌اند. (ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ۱۰۲/۶)

## ۲.۲. بیان کیفیت تسبیح بر اساس روایات

علیرغم اختلاف نظرهایی که درباره مصداق تسبیح کنندگان در روایات قبل وجود داشت و همان‌گونه که ملاحظه گردید روایات رسیده بیشتر به صحابه و تابعان اختصاص دارد، در خصوص معنا و کیفیت تسبیح به نظر می‌رسد روایات غنی‌تری از پیامبر اسلام (ص) و اهل بیت (ع) در منابع روایی شیعه و اهل سنت مشاهده می‌گردد؛ که در ادامه به چند مورد از آن اشاره می‌شود. در الکشف و البیان آمده‌است که: جابر بن عبدالله انصاری از رسول الله (ص) نقل می‌کند: آیا شما را با خبر کنم به آنچه نوح نبی به آن امر کرد؟ همانا نوح به پسرش گفت: به تو امر می‌کنم که بگویی سبحان الله و بحمده. همانا آن نماز مخلوقات و تسبیح آن‌ها و به آن روزی می‌گیرند. (ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ۱۰۲/۶؛ طبری، ۱۴۱۲ق: ۶۶/۱۵) مضمون این روایت به صورت‌های دیگری نیز وارد شده‌است. (سیوطی، ۱۴۰۴ق: ۱۸۳/۴؛ ابن کثیر، ۱۴۱۹ق: ۷۲/۵)

همچنین در روایات آمده‌است: امام صادق (ع) از پدر بزرگوارشان نقل می‌کنند: پیامبر (ص) بیمار شد، جبرئیل با سینی‌ای از خرما و انگور نزدش آمد. پیامبر (ص) از آن خورد درحالی که آن خوراکی تسبیح می‌گفت. سپس حسن و حسین (ع) وارد شدند پس از آن خوردند در حالی که خرما و انگور تسبیح گفتند. سپس علی (ع) وارد شد و از آن خورد و آن تسبیح گفت. سپس مردی از اصحاب پیامبر (ص) وارد شد و از آن خورد، اما خرما و انگور تسبیح نگفتند. جبرئیل گفت: همانا از این طعام فقط پیامبر یا وصی پیامبر یا فرزند پیامبر می‌خورد. (ثعلبی، ۱۴۲۲ق: ۱۰۲/۶)

ابوحمزه ثمالی آورده‌است که نزد علی بن الحسین (ع) بودیم که گنجشک‌ها پریدند و صدا دادند. حضرت فرمود: ای اباحمزه آیا می‌دانی این پرندگان چه می‌گویند؟ گفتم: نه. فرمود: همانا آن‌ها پروردگار بلندمرتبه خویش را تقدیس می‌کنند و از او غذای امروزشان را طلب می‌کنند. (ابوحمزه ثمالی، ۱۴۲۰ق: ۲۳۱) همچنین از امام باقر (ع) پرسیده شد، آیا درخت خشک هم تسبیح می‌گوید؟ پاسخ داد بلی. آیا نمی‌شنوی خانه چوبی چگونه صدا می‌دهد. پس در هر حالی تسبیح شایسته خداوند است (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۱۹۴/۳؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۵۳۶/۳؛ حویزی، ۱۴۱۵ق: ۱۶۸/۳) یا از امام صادق (ع) نقل است که شکاف دیوار تسبیح می‌گوید. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۱۹۴/۳؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۵۳۶/۳؛ حویزی، ۱۴۱۵ق: ۱۶۸/۳) در روایتی دیگر از امام صادق (ع) آمده‌است که هیچ پرنده‌ای شکار نمی‌شود جز این‌که در تسبیح گفتن کوتاهی کرده‌است. (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق: ۱۶۸/۳)

۱۹۴/۳؛ بحرانی، ۱۴۱۵ق: ۵۳۶/۳؛ حویزی، ۱۴۱۵ق: ۱۶۸/۳

## تحلیل و ارزیابی

با عبور از مشکلات سندی برخی روایات و مشکل روشی آن‌ها در خصوص حذف اسناد، و یا اهتمام نداشتن به سندشناسی روایات، که ظاهراً ناظر به مقبولیت این روایات در نزد مفسران بوده، با توجه به روایات رسیده در تفاسیر شیعه و اهل سنت، به نظر می‌رسد که روایات تفسیری وارده ذیل آیه مربوطه در مقام بیان مصداق موجوداتی بوده‌اند که به تسبیح خداوند می‌پردازند و گویا این پیش فرض که تسبیح حقیقی برای همه موجودات وجود دارد در همه تفاسیر روایی به خصوص تفاسیر شیعه وجود داشته و موضوعی روشن برای مفسران بوده است. البته نگرش تعبدی و غیر تحلیلی در این روش تفسیری روشن است. گویا مفسران در صدد برآمده‌اند تا با گردآوری روایات موجود نوع و کیفیت تسبیح موجودات را به تناسب موجودیتی که دارند اعم از جماد، نبات و حیوان بیان نمایند. در این نگرش تفسیری، اختلاف نظر قابل توجهی میان مفسران اهل سنت و شیعه به چشم نمی‌خورد و تنها تفاوت قابل مشاهده در تفاسیر، تکمیل این موضوع توسط تفاسیر رسیده از اهل بیت (ع) در تفاسیر شیعه مانند: بحرانی، حویزی و فیض کاشانی است که مضاف بر اقوال پیامبر اکرم (ص) در تفاسیرهای اهل سنت است. با این توضیح به نظر می‌رسد اختلاف‌های روشی به وجود آمده در تفسیر آیه مذکور بیشتر در قرون چهارم به بعد و با گسترش رویکردهای اجتهادی و کلامی به وجود آمده است.

### ۳. روش‌شناسی تفاسیر عرفانی

اگر عرفان را مستلزم کشف و شهود بدانیم در این صورت تفسیر عرفانی در ردیف تعبیرهایی چون «تفسیر روایی» یا «تفسیر عقلی» و یا «تفسیر قرآن به قرآن» ظاهر می‌شود. با این نگاه تفسیر عرفانی به مثابه یک روش تفسیری و گونه‌ای از تفسیر است. که البته آسیب‌شناسی این روش مجال دیگری می‌طلبد که الهامات وارده بر قلب عارف تا چه اندازه بیانگر مقصود الهی از آیات قرآن است. (اسعدی، ۱۳۹۰: ۳۰۰-۳۰۱) اما به طور کلی در خصوص تفسیر آیه مورد بحث بیشتر تفاسیر عرفانی، طرفدار تسبیح حقیقی برای موجودات هستند. مفسران این دسته با بهره‌گیری از دو رویکرد به اثبات تسبیح حقیقی برای همه موجودات روی آورده‌اند: ۱- استمداد از آیات و روایات ۲- قائلیت به «زبان روحانی و ملکوتی برای همه موجودات» که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

#### ۳. ۱. استناد به آیات و روایات

برخی مفسران عرفانی مانند: امین، سلطان علی‌شاه و حقی برسوی معتقدند که علم و شعور در تمام موجودات سریان دارد و آیات متعددی از قرآن بر آن دلالت دارد. صاحب

تفسیر مخزن العرفان می نویسد: «مقصود از تسبیح نمودن موجودات معنائی است که اعم از ترتیب حروف و کلمات و نطق مسموع می باشد و غیر از مطلق دلالت بر صنع آن هاست و آن کلام مخصوصی است که هر نوعی از موجودات بحسب خلقت مخصوص بخودشان و بقدر دانششان تسبیح خاصی دارند که از غریزه و دانش مخصوص بخود مبدأ وجودشان را تسبیح و ستایش می کنند باین طور: آن هائی که صاحب نطقند بنطق و صدای مخصوص بخودشان و آن هائی که صدائی از آنان مسموع نیست در علم و غریزه خود رو به مبدأ دارند و از او بقاء و روزی می طلبند زیرا که علم در تمام موجودات سریان دارد مثل وجود این است که هر موجودی بقدر قوت وجودش صاحب علم و ادراک است و لو اینکه علم بعلم خود نداشته باشد قوله تعالی «قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ» (فصلت/ ۲۱) حکایت از اعضاء انسان و شهادت آن ها بر علیه اوست. (امین، بی تا: ۳۱۵/۷) سلطان علی شاه می گوید «با همین شعور و آگاهی جمادات توانسته اند بین اشیاء تمیز داده و فرق بگذارند، مانند تمیز دادن آتش بین ابراهیم علیه السلام و نمرود و یارانش». (سلطان علی شاه، ۱۳۷۲ش: ۸؛ حقی برسوی، ۱۳۳۷ق: ج ۵)

### ۲.۳. قائل شدن به زبان روحانی و ملکوتی برای موجودات

برخی مفسران برای اشیاء زبانی روحانی و ملکوتی قائل شده اند که با آن حق را با لغات غیبی و پنهانی تسبیح می کنند و جز اهل معرفت غیب آن را نمی شنود. (روزبهان بقلی، ۲۰۰۸م: ۳۶۱/۲؛ سلطان علی شاه، ۱۳۷۲ش: ۸) ابن عربی در فتوحات درمورد تسبیح موجودات با زبانی روحانی می گوید: «ما بگوش خود شنیدیم که سنگی بزبان قال ذکر ملک متعال می گفت و با ما خطابی کرد چون مخاطبه عارفان و سخنان ادا نمود که هر آدمی آن را در نیابد» و سپس روایتی را نقل می کند که سنگریزه ها در دست رسول خدا ص شهادتین گفتند. (کاشفی، ۱۱۷۶: ۶۱۷) ابن عجبیه نیز از آن به زبان معنا یاد کرده است: «پس همه اشیاء از جهت حسی خود با زبان حال تسبیح می گویند و از جهت معنایی به زبان معنا تسبیح می گویند و می گویند: سبحانه ما اعظم شأنه» (ابن عجبیه، ۱۴۱۹ق: ۲۰۲/۳) سلطان علی شاه با اشاره به زبان ملکوتی اشیاء می گوید: «شنیدن و ادراک آن چشم و گوش ملکوتی می خواهد با همین زبان بود که ستون ناله می کرد و سنگریزه در دست حضرت محمد صلی الله علیه و آله تسبیح می گفت و شهادت می داد؛ آنچه که کوهها و پرندگان با آن به حضرت داود علیه السلام پاسخ می دادند.» (سلطان علی شاه، ۱۳۷۲ش: ۸) سلمی با اشاره به آیه «عَالِمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا... إِلَّا مَنِ ارْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ» (جن/ ۲۷-۲۶) می گوید شنیدن این تسبیح مقامی است که توسط خداوند به اهلش داده می شود. (سلمی، ۱۳۶۹ش: ۱۹۲/۳)

### تحلیل و ارزیابی

همان گونه که ملاحظه می گردد، اعتقاد به زبان روحانی و ملکوتی برای موجودات، نیز بر

مبنای استناد مفسران به بن مایه‌های روایی موجود در این زمینه است و از این بعد به جهت روش شناختی به دلیل آن که بر منابع قابل تعلیم و تعلم، یعنی روایت استناد نموده و آن را از کشف و شهود صرف خارج نموده‌اند، اشکالی که غالباً بر روش‌های تفسیر عرفانی مترتب می‌گردد.<sup>۱</sup> (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲ش: ۳۲۴) قابل پذیرش است.

در خصوص نقد و بررسی روش تفاسیر عرفانی می‌توان به عدم ضابطه‌مندی در معناشناسی واژگان (اسعدی، ۱۳۹۰: ۳۳۴)، عدم رعایت اصل مرجعیت محکمت در آموزه‌های مشابه (همان: ۳۳۷) و استناد بی‌ضابطه به روایات در تفسیر (همان: ۳۳۴) اشاره کرد.

#### ۴. روش شناسی تفاسیر کلامی - اجتهادی

به طور کلی مفسران وابسته به مکاتب کلامی، در تفسیر آیه ۴۴ سوره اسراء، دو رویکرد در پیش گرفته‌اند:

۱- رویکرد نفی تسبیح «قالی»

۲- رویکرد پذیرش و تایید تسبیح «قالی» برای همه موجودات

##### ۴. ۱. روش شناسی مفسران مخالف تسبیح «قالی»

بسیاری از مفسران متکلم شیعه و اهل سنت ذیل آیه مذکور، پذیرش تسبیح «قالی» (حقیقی) را برای موجودات غیر ذوی العقول، ناممکن دانسته و بیشتر طرفدار تسبیح «حالی» هستند.

در ادامه روش‌هایی که مفسران این دسته برای رد تسبیح قالی موجودات به آن استناد جسته‌اند مورد ارزیابی قرار می‌گیرد.

##### ۴. ۱. ۱. بهره‌گیری از برهان حدوث و قدم

مفسران این دسته با استناد به برهان حدوث و قدم، مقصود از تسبیح در آیه مذکور را تسبیح حالی دانسته و معتقدند همه موجودات از جهت خلقت تسبیح گوی بوده زیرا حادث هستند و بر خالق که حادث نیست دلالت می‌کنند. (رک: طوسی، ۱۳۸۹: ۴۸۲/۱۰؛ طبرسی، ۱۳۷۲ق: ۶۴۴/۶؛ زمخشری، ۱۴۱۷ق: ۶۶۹/۲؛ نووی، ۱۴۱۷ق: ۶۲۶/۱؛ ابن عاشور، ۱۴۲۰ق: ۹۱/۱۴؛ نظام الاعرج، ۱۴۱۶ق: ۵۴/۴؛ ابوالسعود، ۱۹۸۳م: ۳۵۴/۵)

طبرسی ذیل آیه مذکور چنین می‌گوید: «هیچ موجودی نیست، جز این که او را به تسبیح و حمد خداوند، زبانی است و از جهت آفرینش خود، بر قدرت و یکتایی حق دلالت می‌کند،

۱) روش تفسیر عرفانی غیر صحیح که به آن «روش اشاری غیر صحیح» نیز گفته می‌شود آن است که مفسر با استفاده از شهود باطنی خویش یا نظریات عرفانی و مبانی نظری تصوّف یا غیر آن به تأویل آیات قرآن پردازد. و از حدّ ظواهر قرآن و قواعد استنباط از ظاهر می‌گذرد و باطن آیات را بیان می‌کند، بدون این که در این کار تابع ضوابط کشف باطن باشد یا این که دلایل عقلی و نقلی برای تأویل آیات ارائه کند. روشن است که این شیوه منتهی به تفسیر به رأی می‌شود. (رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲ش: ۳۲۴)



زیرا تمام موجودات -جز خداوند- حادث هستند و در برابر خداوند تعظیم و نیازمندی خود را به یک آفریدگار ناآفریده، اثبات می‌کنند، بنابراین، موجودات عالم هستی، دلیل هستی ذاتی قدیم و بی‌نیاز هستند. او با موجودات غیر قدیم، فرق دارد.» (طبرسی، ۱۳۷۲: ۶/۶۴۴)

فخر رازی به رد کسانی که تسبیح را مقالی دانسته‌اند برخاسته و می‌گوید: لازمه قالی دانستن تسبیح این است که آن موجود دارای علم باشد در حالی که اشیاء زنده نیستند و نمی‌توان برای یک غیرزنده علم قائل شد و این کار جهل و کفر است؛ زیرا دیگر نمی‌توانیم وجود خدای عالم زنده را استدلال کنیم. فخر رازی تسبیح در آیه ۴۴ را مجازی و حقیقی دانسته است به این صورت که برای عقلای آسمان و زمین حقیقی و برای غیر آنان مجازی است. (فخر رازی، ۱۴۲۰ق: ۳۴۷/۲۰)

### تحلیل و ارزیابی

موافقین تسبیح حالی برای جمادات علم و شعور و حیات قائل نیستند و همین موجب می‌شود که در بن بست تسبیح تکوینی قرار گیرند. تسبیح موجودات زبانی و حقیقی است و اگر بخواهیم تسبیح را زبان حال بگیریم نیاز به قرینه داریم زیرا اصل اولیه در فهم آیات قرآن، اصالة الظهور وعدم تقدیر است مگر آنکه عقل و نقل مخالف آن را بیان نماید تا برای رها کردن ظاهر آیه حجتی باشد.

از سویی دیگر، این دیدگاه، دلالت مخلوق بر خالق، از نظر برخی محققان با استناد به آیات دیگر مورد انتقاد واقع شده است. صادقی تهرانی در کتاب نقدی بر دین پژوهی فلسفه معاصر در رد نظر کسانی که تسبیح را مطلق تکوینی و حالی تفسیر کرده‌اند می‌گوید تسبیح تکوینی یعنی دلالت مخلوق بر خالق را هر صاحب عقلی متوجه می‌شود پس چگونه است که در «وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» می‌فرماید تسبیح را نمی‌فهمید؟ حال آنکه آیه «سُئِرِهِمْ آيَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَ فِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ أَوْ لَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ» (فصلت/۵۳)؛ «به زودی نشانه‌های خود را در افقها [ی گوناگون] و در دل‌هایشان بدیشان خواهیم نمود تا برایشان روشن گردد که او خود حق است آیا کافی نیست که پروردگارت خود شاهد هر چیزی است» نشان می‌دهد که آیات آفاقی همه چیز است که بر خدا استدلال می‌کند و آنرا تمام مکلفان می‌فهمند و در آیات «قُلْ أَنْظَرُوا مَا ذَا فِي السَّمَاوَاتِ» (یونس/۱۰۱) «أَوْ لَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ» (اعراف/۱۸۵) به آن امر شده است و خدای بزرگ هرگز مکلفان را به چیزی امر نمی‌کند که «لَا تَفْقَهُونَ» نمی‌فهمید پیامد آن باشد. (صادقی تهرانی، ۱۳۸۶ش: ۴۲۵) او در تفسیر فرقان بیان می‌کند که انسان تسبیح را نمی‌فهمد مگر آنکه خدا او را بفهماند همانطور که به سلیمان کلام مورچه را فهماند. (نمل/۱۹) (صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق: ۲۱۱/۱۷)

#### ۴. ۱. ۲. تشکیک در روایات و تأویل آن‌ها

از جمله مفسرانی که به نقد قائلین به تسبیح مقالی در آیه پرداخته، آلوسی در روح المعانی است. وی طرفداران تسبیح قالی را صوفی مذهب خوانده و معتقد است، در روایات وارده اختلاف نظر دارند. مانند روایاتی که بیان می‌کند خاک تسبیح می‌گوید و اگر خیس شود ساکت می‌شود. برگ تسبیح می‌گوید و اگر بیفتد ساکت می‌شود. لباس تسبیح می‌کند و اگر کثیف شود ساکت می‌شود و برخی را استثناء دانسته‌اند و می‌گویند همه چیز تسبیح می‌گویند بجز سگ و الاغ. آلوسی این استثناء را قبول ندارد و روایتی از امام سجاد (ع) نقل می‌کند که ماه را خطاب قرار داد، سپس می‌گوید نمی‌توان برای ماه و سایرین شعوری مانند انسان قائل شد و باید آن‌را به تأویل برد. (آلوسی، ۱۴۱۵ق: ۸۰/۸)

#### تحلیل و ارزیابی

در ارزیابی روش تفسیری این دسته از مفسران چنین باید گفت که تفاوت کیفیت تسبیح موجودات ناشی از تفاوت حالات آن‌هاست و این نمی‌تواند دور از ذهن و غیرمنطقی باشد. ضمن آن‌که روایات زیاد و متواتری وجود دارد که همگی به تسبیح قالی تمامی موجودات اعم از حیوانات و نباتات و جمادات اشاره می‌کند و نمی‌توان به راحتی ظاهر روایت را رها نمود. و یا آن‌ها را حمل بر مجاز کرده و به تأویل برد. کسانی که معتقد به تسبیح قالی نبوده و آن را حمل بر دلالت مخلوق به خالق می‌کنند چگونه این روایت نقل شده از امام باقر (ع) را معنا می‌کنند که ایشان با صراحت می‌فرماید ما صدای تسبیح شکاف دیوار را می‌شنویم؟ یا روایت متواتری که سنگریزها در دست رسول الله (ص) تسبیح می‌گفتند و سایرین نیز شنیدند.

#### ۴. ۱. ۳. عدم توانایی مفسر در جمع میان دیدگاه خود و روایات موجود ذیل آیه

در ذیل بسیاری از تفاسیر کلامی، آن چه مشهود است آن که مفسر در ذیل آیه مذکور ابتدا به تسبیح حالی برای موجودات معتقد گردیده و پس از بیان آن که هر موجودی به زبان حال بر توحید و خالقیت خداوند گواهی می‌دهد، پاره‌ای از روایات که حتی دلالت بر تسبیح حقیقی موجودات دارد را نیز در تفسیر خود آورده است. (رک: بغوی، ۱۴۲۰ق: ۱۳۶/۳؛ پانی پتی، ۱۴۱۲ق: ۴۴۳/۵؛ کاشانی، ۱۳۰۰ش: ۲۷۶/۵؛ جرجانی، ۱۳۷۸: ۳۰۰/۵) به عنوان مثال در تفسیر جلاء الاذهان، مفسر ذیل آیه در ابتدا چنین می‌گوید: «اوست آن خدای که تسبیح می‌کنند او را آسمان‌های هفت گانه و زمین و هر که در آسمان‌ها و زمین است همه بزبان حال؛ از آنجا که دلیل اند بر صانع و آفریدگار خود و بر صفات کمال وی، و بر آن‌که جایز نیست که وی را شریک و همتا و همباز گویند و هیچ موجودی از موجودات نیست إلا که بر این وجه خدای را تسبیح می‌گوید، از آنجا که همه مصنوع‌اند؛ و محتاج صانعی اند

که هیچ مصنوع بی صانع نباشد.» (جرجانی، ۱۳۷۸: ۳۰۰/۵) آن گاه به ذکر اقوال صحابه و تابعان در خصوص مصادیق تسبیح پرداخته و در پایان به چند روایت از رسول اکرم (ص) استناد می‌نماید که از آن جمله روایت معروف است: «در خبرست که رسول صلی الله علیه و آله و سلم بیمار بود جبرئیل آمد و او را از بهشت طبقی انار و انگور آورد رسول صلی الله علیه و آله و سلم از آن بخورد بر دست او تسبیح کرد، و امیر المؤمنین علی ابن ابی طالب علیه السلام نیز از آن بخورد بر دست آن حضرت نیز تسبیح کرد، و همچنین حسن و حسین علیهما السلام از آن بخوردند بر دست ایشان نیز تسبیح کرد، یکی از جمله صحابه دست دراز کرد و یکی از آن بر دست گرفت بر دست وی تسبیح نکرد جبرئیل گفت: این طعام بهشت است و طعام بهشت در دنیا نخورد إلا پیغمبری یا وصی پیغمبری یا فرزند پیغمبری.» (همان) که مفسر بدون جمع بندی میان دیدگاه خود و روایات موجود به ادامه تفسیر آیات بعدی می پردازد.

یا عجیب آن است که در تفسیر منهج الصادقین، مفسر روایتی درباره سبب نزول آیه مذکور به نقل از تفسیر التیسیر می‌آورد که به روشنی بر تسبیح جمادات دلالت دارد: «در تیسیر نقل می‌کند که یکی از اولاد جنان بن الارث رضی الله نقل کرده که محجن (عصای) حضرت رسالت (ص) در دست مبارک وی خدای را تسبیح می‌گفت چنان که همه قوم شنیدند و از روی تعجب گفتند یا رسول الله این چوب خشک چگونه تسبیح می‌گوید آیه آمد که تَسْبِيحُ لَهُ...» (کاشانی، ۱۳۰۰ش: ۲۷۶/۵) و علی‌رغم استشهاد به این روایت، و روایات متعدد دیگر مبنی بر تسبیح حقیقی موجودات و ذکر اقوال عرفا و مفسران، در نهایت بدون استدلال به پذیرش قول ارجح خود مبنی بر تسبیح حالی با استناد به دو بیت شعر چنین می‌آورد: «واصح آنست که همه اشیا بر سبیل عموم از وحوش و طیور و جمادات تسبیح حق تعالی می‌کند حتی صریر باب و ضریر آب و مراد بتسبیح ایشان کیفیت دلالت ایشان است بر وجود صانع عالم و بر قدرت و علم و وحدانیت او؛

و فی کل شیء له آیه      تدل علی انه واحد

هر چیزی در این عالم آیه‌ای است که بر وحدانیت خداوند دلالت دارد.» (همان: ۲۷۷/۵)

## تحلیل و ارزیابی

این موضوع نوعی تعارض روش شناختی و عدم توانایی مفسر در جمع میان دیدگاه خود و روایات است و به نحوی شناخت مسئله را بدون تحلیل و ارزیابی مسکوت و تعطیل رها نموده است. بدیهی است که به خصوص در تفاسیر کلامی، انتظار خواننده آن است که با دلیلی به خصوص عقلی، نتیجه روشنی حاصل گردد. اما این امر در بسیاری از تفاسیر کلامی که مخالف تسبیح قالی موجودات بوده‌اند محقق نشده است.

#### ۴. ۲. روش‌شناسی مفسران موافق تسبیح «قالی»

آن‌چه از بررسی روش تفسیری مفسران با رویکرد کلامی و اجتهادی در ذیل تفسیر آیه مذکور انتظار می‌رود، بیان دلایل عقلی و کلامی از نظریه تسبیح قالی برای همه موجودات است. اما آن‌چه مشهود است آن‌که در بین این مفسران، استشهاد به آیات قرآن و روایات بسیاری که در منابع شیعی و اهل سنت راجع به تسبیح حقیقی برای موجودات آمده است، از بیان دلایل عقلی و کلامی غلبه بیشتری دارد. بنابراین به طور کلی روش‌های استدلالی این دسته از مفسران بر اساس کثرت بهره‌گیری از روش‌ها به صورت زیر است:

#### ۴. ۲. ۱. استناد به روایات

بسیاری از مفسران این دسته، تفسیر حقیقی همه موجودات را با استناد به روایات اثبات نموده‌اند. در تفسیر ابوالفتوح رازی، مفسر قریب به ده روایت راجع به تسبیح همه موجودات اعم از سنگریزه، آب، درخت و ... از طریق صحابه، تابعان و روایاتی از امام صادق (ع) آورده است. (رک: رازی، ۱۴۰۸ق: ۲۲۸/۱۲) این رویکرد در دیگر تفاسیر اجتهادی و کلامی شیعه و اهل سنت اعم از متقدمین و معاصران مشاهده می‌شود. (رک: بغوی، ۱۴۲۰ق: ۱۳۶/۳؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق: ۲۱۲/۱۷)

#### ۴. ۲. ۲. روش قرآن به قرآن

برخی مفسران این دسته با استشهاد به آیات دیگر قرآن کریم که بر تسبیح حقیقی موجودات دلالت دارد نظریه تسبیح حقیقی موجودات را پذیرفته، و معتقدند که تسبیح تکوینی و حالی، با صریح آیات و روایاتی که در قرآن کریم راجع به این موضوع آمده مخالف است. (طیب، ۱۳۶۹ش: ۲۶۰/۸؛ صادقی تهرانی، ۱۴۰۶ق: ۲۱۲/۱۷) نویسنده تفسیر اطيبي البيان با استشهاد به آیه ۱۸ سوره حج: ﴿لَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدْ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ...﴾ «آیا ندانستی که خداست که هر کس در آسمان‌ها و هر کس در زمین است و خورشید و ماه و [تمام] ستارگان و کوه‌ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم برای او سجده می‌کنند و بسیاری اند که عذاب بر آنان واجب شده است.» چنین بیان می‌دارد که اگر مراد از تسبیح، تسبیح تکوینی بود جمیع الناس می‌فرمود نه کثیر. و قضیه هدهد و سلیمان و تکلم مورچه و وحی بنحل و بسیار آیات دیگر و اخبار عرض ولایت بر آسمان‌ها و کوه‌ها و دریاها و حیوانات که تمام دلالت بر این دارد که با شعور و ادراک و مکلف هستند پس مراد همان تسبیح تشریحی است. (طیب، ۱۳۶۹ش: ۲۶۰/۸)

#### ۴. ۲. ۳. تفسیر اخلاقی

برخی مفسران این دسته تزکیه درونی و تلاش برای ایجاد صفای باطن در انسان را

شرط اساسی درک و دریافت حقیقت تسبیح موجودات می‌دانند و گویی گرایشی ذوقی و عرفانی نسبت به این آیه پیدا کرده‌اند. (قطب، ۱۴۲۵ق: ۲۲۳۰/۴؛ خطیب، ۱۴۲۴ق: ۴۹۳/۸؛ مطهری، ۱۳۶۹ش: ۱۷۴) سید قطب ذیل آیه مورد نظر چنین می‌گوید: «هستی همه‌اش حرکت و حیات است ... و هر سنگ و دانه و گیاه و شکوفه... درخت و هر حیوان و انسانی و هر جنبنده‌ای در زمین و هر شناگری در آب و هوا و همراه آن ساکنین آسمان‌ها همگی تسبیح خداوند را گویند و در مقام اعلی به او توجه دارند.» (سید قطب، ۱۴۲۵: ۲۲۳۱/۴) و همچنین علت این که خداوند تبارک و تعالی در آیه فرموده «وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» را چنین بیان می‌دارد که منظور آن است که به این دلیل تسبیح را نمی‌فهمید چون با صفت سرشتگی با گل و خاک عجین شده‌اید و با قلوبتان نمی‌شنوید و به اسرار خفیه‌ی وجودی توجه نمی‌نمایید و هنگامی که روح شفا و صفا یابد هر متحرک و ساکن را می‌شنود و به تسبیح متوجه می‌گردد. (همان)

### ۵. روش‌شناسی اجتهادی جامع

در مباحث مربوط به روش‌های تفسیری، غالباً از روش «اجتهادی جامع»، به عنوان کامل‌ترین و مستدل‌ترین روشی که بر اساس آن می‌توان به معنا و مراد خداوند تبارک و تعالی در تفسیر آیات دست یافت یاد می‌شود. (بابایی، ۱۳۸۱ش: ۱۲۶/۲) روشی که از منابع مهم تفسیر یعنی «آیات قرآن»، «روایات صحیح» و «معرفت‌های بدیهی عقلی» بهره بگیرد و در نهایت مفسر با استمداد از آن‌ها بتواند مقصود آیه را روشن نماید. (بابایی و دیگران، ۱۳۸۸ش: ۱۹۶ و ۱۹۲-۱۸۳؛ رضایی اصفهانی، ۱۳۸۲ش: ۳۳) بنابراین مقصود از رویکرد اجتهادی، رویکردی است که در تفسیر قرآن از تمامی منابع فهم اعم از قواعد زبان‌شناختی وضع و دلالت‌گفتمان عقلا، قرائن تناظری درون متنی، سنت شارح و تبیینی، قرائن فرامتنی (زمینه متن)، تدبر و عقل (ابزاری و منعی) به شیوه روشمند و علمی در فرایندی مناسب بهره می‌گیرد. (اسعدی، ۱۳۹۰: ۱۰۱) از بررسی روش تفسیری علامه طباطبایی (ره) در تفسیر المیزان ذیل آیه مورد بحث، چنین به دست می‌آید که این مفسر بزرگ، با روشی جامع به استدلال در خصوص آیه مذکور پرداخته و با بهره‌گیری از منابع مذکور، نتیجه‌ای معقول و قابل پذیرش درباره آیه مبنی بر «حقیقی بودن تسبیح همه موجودات» ارائه نموده است که در ادامه به آن پرداخته می‌شود.

#### ۵. ۱. استناد به آیات مشابه (روش تفسیر قرآن به قرآن)

مقصود از تفسیر قرآن به قرآن این است که هر آیه به کمک و استعانت آیات دیگر اعم از آیات آن سوره و یا آیات دیگر سور تفسیر شود، زیرا برخی آیات مبین آیات دیگرند و به تفصیل معانی و محتوای دیگر آیات پرداخته‌اند. (مؤدب، ۱۳۸۶: ۱۶۹) استناد به آیات مشابه یکی از قواعد مهم تفسیر قرآن به شمار می‌آید. در تفسیر هر آیه، تفحص کامل از آیات

مربوط و دقت در آن‌ها ضروری است و تفسیر قرآن به قرآن، نه تنها روشی نیکو و پسندیده در تفسیر است، بلکه در بسیاری از موارد بدون آن نمی‌توان مراد واقعی خدای متعال را از آیات کریمه به دست آورد. (رک: بابایی و دیگران، ۱۳۸۸ش: ۱۹۲) با توجه به این‌که تبیین و تفسیر آیه مذکور در بین مفسران با اختلاف نظرهایی روبروست به نظر می‌رسد با استمداد از آیات مشابه بتوان مقصود آیه را روشن نمود. بررسی تفاسیر فوق نشان می‌دهد که علامه طباطبایی (ره) در مقایسه با سایر متقدمین خود، از آیات مشابه بیشتری کمک گرفته است. ایشان می‌گوید: «از کلام خدا در قرآن اثبات می‌شود که علم و شعور در تمامی موجودات عالم سریان پیدا کرده و هر موجودی به اندازه سهمی که از وجود دارد به او علم داده شده ولی معنایش این نیست که علم همه موجودات برابر و یا یک نوع است. این استنباط در آیه ﴿قَالُوا أَنْظِقْنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ﴾ (فصلت/۲۱)، و نیز آیه ﴿قَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ أُنْتِ يَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَنْتِنَا طَائِعِينَ﴾<sup>۱</sup> (فصلت/۱۱) مشهود است. پس هر موجودی با مرتبه‌ای که از علم دارد نقص و فقر وجود خود را درک کرده و احتیاج خود را به پروردگار غنی درک و اظهار نموده و او را تسبیح نموده و از هر عیبی منزّه می‌دارد». (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۱۳/۱۵۱) طبق نظر علامه این نظر درست نیست که تسبیح موجودات را فقط حمل بر مطلق دلالت نموده و مرتکب مجاز شویم چون زمانی جایز است آن‌را مجازی بنامیم که نتوان ظاهر آیه را حمل بر حقیقت نمود بنابراین تسبیح موجودات حقیقی و قالی بوده و مجازی نیست و البته قالی بودن به این معنا نیست که حتماً باید الفاظ شنیدنی و قراردادی باشد. در کلام خداوند نیز بارها بر حقیقی بودن تسبیح موجودات تأکید شده است. مثلاً یکی از این سنخ آیات، آیه شریفه ﴿سَخَّرْنَا مَعَ دَاوُودَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ﴾ (انبیاء/۷۹) و آیات مشابه آن مانند: ﴿إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ﴾ (ص/۱۸)؛ «ما کوه‌ها را با او مسخر ساختیم [که] شامگاهان و بامدادان خداوند را نیایش می‌کردند» و ﴿وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يَا جِبَالُ أَوِّبِي مَعَهُ وَالطَّيْرَ وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ﴾ (سبأ/۱۰)؛ «او به راستی داوود را از جانب خویش مزیتی عطا کردیم [و گفتیم] ای کوه‌ها با او [در تسبیح خدا] همصدا شوید و ای پرندگان [همانگی کنید] و آهن را برای او نرم گردانیدیم.» است (همان) علامه پس از استناد به آیات فوق چنین نتیجه می‌گیرد که: «با این حال دیگر معنا ندارد تسبیح را نسبت به کوه‌ها و مرغان "زبان‌گرفت" و نسبت به آن پیغمبر "زبان‌قال!"» (همان)

## ۵. ۲. بهره‌گیری از سیاق

مقصود از سیاق، هر دلیل دیگری است که به الفاظ و عباراتی که می‌خواهیم آن را بفهمیم، پیوند خورده است، خواه مقوله الفاظ باشد، مانند کلمات دیگری که با عبارت مورد نظر یک سخن به هم پیوسته را تشکیل می‌دهند و خواه قرینه حالی باشند، مانند اوضاع و احوال و

۱) ﴿ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ أُنْتِ يَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَنْتِنَا طَائِعِينَ﴾ (فصلت/۱۱)؛ «سپس آنگاه [آفرینش] آسمان کرد و آن بخاری بود پس به آن و به زمین فرمود خواه یا ناخواه بیاید آن دو گفتند فرمان‌پذیر آمدیم.»

شرایطی که سخن در آن اوضاع و احوال مطرح شده است و در موضوع و مفاد لفظ مورد بحث، نوعی روشنگری دارد. (صدر، ۱۴۱۰: ۱۰۳) اصل قرینه بودن سیاق و تأثیر آن در تعیین معنای واژه‌ها و مفاد جمله‌ها، یکی از اصول عقلایی محاوره است که در همه‌ی زبان‌ها به آن ترتیب اثر داده می‌شود و دانشمندان اسلامی نیز در فهم ظواهر متون دینی، همواره از آن استفاده کرده و می‌کنند. مفسران و دانشمندان علوم قرآنی نیز، ضمن این که خود در تفسیر آیات کریمه بدان توجه نموده و در تعیین معنای واژه‌ها و فهم مفاد آیات کریمه، از آن کمک گرفته‌اند، به تأثیر چشمگیر آن در فهم مفاد آیات قرآن تصریح کرده‌اند. (بابایی و دیگران، ۱۳۸۸ش: ۱۲۰)

یکی از امتیازات ویژه روش علامه این است که با استفاده از «وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» اثبات می‌کند که سیاق این آیه بهترین دلیل بر تسبیح حقیقی و قالی است. درحالی که مفسران قبل از ایشان به سیاق آیه توجهی نکرده‌اند. تنها ابن عربی در فتوحات نوشته است: «اگر مراد از تسبیح زبان باشد دیگر هدف جمله «وَلَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ» محقق نمی‌شود» و شرح و بسط قابل توجهی برای آن ارائه نکرده است. (رک: ابن عربی، بی تا: ۵۹/۱) پس موجودات فقط یک آیه ساکت محض نیستند که بر ذی‌الایه دلالت کنند بلکه زنده‌اند و با ما سخن می‌گویند اگر بتوانیم آن‌را بشنویم و درک کنیم.

علامه اشاره می‌کند که تسبیح مجازی یعنی هر موجودی در آسمان‌ها و زمین با هستی خود دلالت می‌کند بر این که پدید آورنده‌ای منزّه از هر نقص و متصف به کمال دارد، اما سیاق آیه تسبیح مجازی را رد می‌کند جایی که می‌فرماید: «وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِ وَ لَكِنْ لَا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ». چون اگر تسبیح مجازی بود دیگر نباید می‌فرمود شما تسبیح آن‌را نمی‌فهمید، زیرا تسبیح مجازی که همان دلالت مخلوق بر خالق است را همه افراد و حتی مشرکین می‌فهمند. بنابراین منظور از نفهمیدن تسبیح نفهمیدن تسبیحی است که برخاسته از شعور و علم موجودات است. (طباطبایی، ۱۳۷۴ش: ۱۵۳/۱۳) علامه در انتهای تفسیر این آیه و در شرح «إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا» بیان می‌کند که انسان می‌تواند تسبیح موجودات را بشنود و درک کند و این امر محالی نیست و گفته این توجیه خوبی است که «انسان چون در فهم این تسبیح (که تمامی موجودات دائماً مشغول‌اند و حتی خودش هم به جمیع ارکان وجودش دائماً مشغول آن است) قصور می‌ورزد، خطاکار است، و در این خطا سزاوار مؤاخذه است، اما خدای سبحان چون حلیم و غفور است، در مؤاخذه وی شتاب نمی‌کند.» (همان: ۱۵۵/۱۳)

### ۵.۳. اقامه برهان توحیدی با کمک قیاس استثنایی (روش عقلی)

معرفت‌های بدیهی و برهان‌های قطعی آشکار از قراین پیوسته غیر لفظی در فهم آیات به شمار می‌آیند و در فهم آیات می‌بایست به این قرینه توجه شود. (بابایی و دیگران، ۱۳۸۸ش:

۱۸۲) علامه طباطبایی (ره) با اقامه برهانی توحیدی به کمک قیاس استثنایی، از آیات ۴۲ و ۴۴ سوره اسراء، به اثبات تسبیح حقیقی برای همه موجودات می‌پردازند. ایشان آیه ۴۴ را مقدمه‌ای می‌داند که با ایجاد یک قیاس استثنایی، حجت و برهان آیه ۴۲ را تکمیل می‌کند.<sup>۱</sup> با این توضیح که اگر خدایان دیگری هم وجود داشتند، البته عرش خدا مورد هجوم آنها قرار می‌گرفت اما تسبیح موجودات برای خداوند، عدم درگیری و چندخدایی را ثابت می‌نماید. (طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۰۸/۱۳) طبق قیاس استثنایی به دو مقدمه احتیاج است:

مقدمه اول: اگر خدایان دیگری بودند عرش خدا را مورد حمله و غلبه قرار می‌دادند. (قضیه شرطی)

مقدمه دوم: (اما عرش خدا مورد حمله و غلبه کسی قرار نگرفته) زیرا موجودات تسبیح‌گوی خدا هستند (استثناء)

نتیجه: جز الله خدای دیگری وجود ندارد.

در بین تفاسیر بررسی شده از متقدمین تا معاصر بجز علامه طباطبایی تنها مفسری که به این نکته اشاره کرده، فخر رازی است. وی در کتاب تفسیر کبیر و ذیل این آیه فقط اشاره‌ای گذرا به رابطه آیات ۴۲ و ۴۴ کرده است. او می‌گوید تسبیح آسمان‌ها و زمین و موجودات بر درستی دلیل آیه ۴۲ شهادت می‌دهد. (فخر رازی، ۱۴۲۰: ۳۴۷/۲۰) اما توضیح بیشتری درباره این که چگونه تسبیح موجودات منجر به درستی دلالت آیه ۴۲ می‌گردد، را ارائه ننموده است.

#### ۵. ۴. استناد به روایات موجود ذیل آیه

علامه طباطبایی (ره) پس از بیان روشمند تفسیر آیه از قبیل استناد به آیات مشابه، بهره‌گیری از سیاق و اقامه برهان عقلی، که در سابق بیان شد، قریب به بیست روایت از منابع معتبر روایی شیعه و اهل سنت درباره حقیقت و مصداق تسبیح موجودات اعم از سنگریزه، دیوار، ستون و حیوانات می‌آورند. (رک: طباطبایی، ۱۳۷۴: ۱۳/۱۶۵-۱۷۰) توجه به روش علامه در بیان روایات مربوط به این موضوع حایز اهمیت است. چرا که غالباً روش علامه (ره) ذیل مباحث آیات مختلف در المیزان، آن است که بحثی را با عنوان «بحث روایی» آورده که ذیل آن به اختلاف منابع شیعی و اهل سنت می‌پردازد، یا متن یا سند روایات را به لحاظ قوت و ضعف مورد ارزیابی قرار داده و بر این اساس برخی روایات را کنار می‌نهند. اما در خصوص روایات مربوط به تسبیح موجودات، علامه ضمن حکم به صحت همه این روایات (همان: ۱۳/۱۶۹)، تلاش می‌کند مستندات مختلف این روایات را در منابع شیعی و اهل سنت ارائه نماید (همان) و به توضیح محتوای آنها پرداخته و کوشیده‌است تا روایات

۱) در علم منطق قیاس و استنتاج دو شکل می‌باشد: قیاس استثنایی و قیاس اقتراعی. در قیاس حداقل دو مقدمه لازم است تا بوسیله آنها نتیجه اثبات گردد. در قیاس استثنایی، مقدمه اول یک قضیه شرطی و مقدمه دوم یک استثناء است.



مربوطه را برای خواننده قابل فهم و درک نماید. که این امر نشان از قوت منبع بودن روایات موجود در تبیین مقصود آیه است. ایشان در این خصوص می‌نویسد: «این روایات هم که می‌گوید سنگریزه در دست رسول خدا (ص) تسبیح کرد و ما شنیدیم یا آنکه داوود شنید که کوه‌ها و مرغان با او تسبیح می‌گویند، یا روایات شبیه به آن همه صحیح است، و صدایی که می‌شنیدند به ادراک باطنی بود که تسبیح واقعی و حقیقت معنای آن را از طریق باطن درک می‌کردند، و حس هم چیزی نظیر آن و مناسب با آن را حکایت می‌کرده گوش هم الفاظ و کلماتی که این معنا را برساند احساس می‌نموده.» (همان)

### نتیجه‌گیری

با توجه به بررسی‌های انجام گرفته، نتایج زیر حاصل آمد:

- درباره آیه ۴۴ سوره اسراء، منابع روایی شیعه و اهل سنت روایت‌های فراوان، صحیح و متواتری را ارائه نموده‌اند که کیفیت و مصادیق تسبیح را معین می‌نمایند. آنچه در روایات مشاهده می‌گردد آن است که اصل تسبیح حقیقی برای موجودات برای معاصران پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) حقیقتی آشکار بوده و روایات غالباً در صدد بیان مصادیق تسبیح برآمده‌اند.

- تفاسیر دارای گرایش عرفانی، بن‌مایه‌های دیدگاه خود را از روایات اخذ نموده‌اند و اکثریت این تفاسیر به تسبیح حقیقی موجودات معترف بوده‌اند.

- مفسرانی امثال شیخ طوسی، طبرسی و زمخشری که از روش اجتهادی و کلامی در تفسیر بهره برده و با تسبیح حقیقی همه موجودات مخالفت نموده‌اند به چند دلیل، روشی که به کار برده‌اند قابل‌خداشه است: الف) غفلت از آیات دیگر، ب) عدم اقامه برهان عقلی قطعی، ج) عدم توانایی جمع میان دیدگاه‌های خود و روایات فراوان موجود در این زمینه، د) عدول از ظاهر آیات و روایات و قائل شدن به تأویل بدون حجت و قرینه.

- مبنای مفسرانی مانند: ابوالفتوح رازی و بغوی که موافق تسبیح حقیقی همه موجودات با روش کلامی و اجتهادی هستند بیشتر بر آیات قرآن و روایات استوار گردیده، و برخی نیز اصل موضوع را بدیهی دانسته در صدد ارائه توصیه‌های اخلاقی برای نیل به حقیقت آیه برآمده‌اند.

- تفسیر ارائه شده از سوی علامه طباطبایی (ره) درباره آیه مذکور، دارای جامعیت روش شناختی بوده و این مفسر گرانقدر با بهره‌گیری از روش اجتهادی جامع و منابع مهم تفسیری یعنی آیات قرآن کریم، استناد به روایات متعدد از منابع معتبر شیعی و اهل سنت، اقامه برهان عقلی و بهره‌گیری از قرینه سیاق، دیدگاه خود را مبتنی بر اصول روش‌شناسی تفسیری جهت فهم صحیح آیه شریفه به کار گرفته است. از منظر ایشان، بر اساس آیه ۴۴ سوره اسراء تمامی موجودات عالم تسبیح‌گوی خدا هستند و تسبیح آن‌ها حقیقی و زبانی بوده و مجازی نیست. البته زبانی بودن به این معنا نیست که حتماً باید الفاظ شنیدنی و قراردادی باشد.

## کتابنامه

- قرآن کریم ترجمه محمد مهدی فولادوند  
- ابن عجبیه، احمد (۱۴۱۹ق): «البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید»، حسن عباس زکی، قاهره: بی نا، اول.
- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۴۲۰ق): «تفسیر التحریر و التنویر»، بیروت: مؤسسه التاریخ العربی، چاپ اول.
- ابن عربی، محی الدین (بی تا): «الفتوحات المکیه»، بیروت: دار الصادق، چاپ اول.
- ابن کثیر، اسماعیل بن عمر (۱۴۱۹ق): «تفسیر القرآن العظیم»، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول.
- ابوالسعود، محمد بن محمد (۱۹۸۳م): «تفسیر ابی السعود»، لبنان: دار احیاء التراث العربی، بی جا.
- ابوالفتوح رازی، حسین بن علی (۱۴۰۸ق): «روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن»، مشهد: آستان قدس رضوی بنیاد پژوهش های اسلامی، چاپ اول.
- ابو حمزه ثمالی، ثابت بن دینار (۱۴۲۰ق): «تفسیر القرآن الکریم»، بیروت: دارالمفید، چاپ اول.
- اسعدی، محمد و همکاران (۱۳۹۰ش): «آسیب شناسی جریان های تفسیری»، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
- امین، نصرت بیگم (بی تا): «تفسیر مخزن العرفان در علوم قرآن»، بی جا، بی نا، چاپ اول.
- آلوسی، محمود بن عبدالله (۱۴۱۵ق): «روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم و السبع المثانی»، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول.
- بابایی، علی اکبر (۱۳۸۱ش): «مکاتب تفسیری»، تهران: پژوهشکده حوزه و دانشگاه، چاپ اول.
- بابایی و دیگران، علی اکبر (۱۳۸۸ش): «روش شناسی تفسیر قرآن»، قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، چاپ چهارم.
- بحرانی، هاشم بن سلیمان (۱۴۱۵ق): «البرهان فی تفسیر القرآن»، قم: موسسه البعثه، قسم الدراسات الإسلامیه، چاپ اول.
- بغوی، حسین بن مسعود (۱۴۲۰ق): «معالم التنزیل»، لبنان: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
- پانی پتی، ثناء الله (۱۴۱۲ق): «التفسیر المظهری»، پاکستان: مکتبه رشدیہ، چاپ اول.
- ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق): «الکشف و البیان»، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ اول.
- جرجانی، حسین بن حسن (۱۳۷۸ش): «جلاء الأذهان و جلاء الأخران (تفسیر گازر)»، تهران: دانشگاه تهران، اول.
- حقی برسوی، اسماعیل بن مصطفی (۱۳۳۷ق): «تفسیر روح البیان»، بیروت: دارالفکر، چاپ اول.
- حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۴۱۵ق): «تفسیر نور الثقلین»، قم: اسماعیلیان، چاپ چهارم.
- خطیب، عبدالکریم (۱۴۲۴ق): «التفسیر القرآنی للقرآن»، بیروت: دار الفکر العربی، چاپ اول.
- رضایی اصفهانی، محمدعلی (۱۳۸۲ش): «درسنامه روش ها و گرایش های تفسیری»، قم: مرکز جهانی علوم اسلامی، اول.
- روزبهان بقلی، روزبهان بن ابی نصر (۲۰۰۸م): «عرائس البیان فسی حقائق القرآن»، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول.
- زمخشری، محمود بن عمر (۱۴۱۷ق): «الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل»، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ سوم.
- سلطان علی شاه، سلطان محمد بن حیدر (۱۳۷۲ش): «بیان السعاده فی مقامات العباده»، تهران: سراسر، چاپ اول.
- سلمی، ابو عبد الرحمن محمد بن الحسین السلمی (۱۳۶۹ش): «مجموعه آثار السلمی»، تهران: مرکز نشر دانشگاهی، چاپ اول.
- سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر (۱۴۰۴ق): «الدر المثور فی التفسیر بالماثور»، قم: کتابخانه عمومی حضرت آیت الله العظمی مرعشی نجفی (ره)، چاپ اول.

- صادقی تهرانی، محمد (۱۳۸۶ش): «نقدی بر دین پژوهی فلسفه معاصر»، تهران: امید فردا، چاپ اول.
- صادقی تهرانی، محمد (۱۴۰۶ق): «الفرقان فی تفسیر القرآن بالقرآن و السنه»، قم: فرهنگ اسلامی، چاپ دوم.
- صدر، محمداقبر (۱۴۱۰ق): «دروس فی علم الاصول»، قم: موسسه النشر الاسلامی، چاپ سوم.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۰ق): «المیزان فی تفسیر القرآن»، بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، چاپ دوم.
- \_\_\_\_\_ (بی تا): «المیزان فی تفسیر القرآن»، قم: جامعه مدرسین فی الحوزه العلمیه، پنجم.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲ش): «مجمع البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: ناصر خسرو، چاپ سوم.
- طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۹ق): «التبیان فی تفسیر القرآن»، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ اول.
- طبیب، عبدالحسین (۱۳۶۹ش): «اطیب البیان فی تفسیر القرآن»، تهران: اسلام، چاپ دوم.
- فخر رازی، محمد بن عمر (۱۴۲۰ق): «التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)»، بیروت: دار إحياء التراث العربی، چاپ سوم.
- فیض کاشانی، محمد بن شاه مرتضی (۱۴۱۵ق): «تفسیر الصافی»، تهران: مکتبه الصدر، چاپ دوم.
- سید قطب (۱۴۲۵): «فی ظلال القرآن»، بیروت: دارالشروق، چاپ سی و پنجم.
- کاشانی، فتح الله بن شکر الله (۱۳۰۰ش): «منهج الصادقین فی الزام المخالفین»، تهران: کتابفروشی اسلامیة، چاپ اول.
- کاشفی، حسین بن علی (۱۱۷۶ق): «تفسیر حسینی»، سراوان: کتابفروشی نور، چاپ اول.
- مطهری، مرتضی (۱۳۶۹ش): «آشنایی با قرآن ۴»، تهران: انتشارات صدرا، چاپ اول.
- مؤدب، سید رضا (۱۳۸۶ش): «روش های تفسیر قرآن»، قم: انتشارات دانشگاه قم، چاپ سوم.
- نظام الاعرج، حسن بن محمد (۱۴۱۶ق): «تفسیر غرائب القرآن و رغائب الفرقان»، تحقیق زکریا عمیرات، لبنان: دارالکتب العلمیه، چاپ دوم.
- نووی، محمد (۱۴۱۷ق): «مراح لیبید لکشف معنی القرآن المجید»، بیروت: دار الکتب العلمیه، منشورات محمد علی بیضون، چاپ اول.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## References

- The Holy Quran Translated by Mohammad Mahdi Fouladvand.
- Ibn Akhiba, Ahmad, (1419 A.H.): Al-Bahr al-Madid fi Tafsir al-Qur'an al-Majid, (First edition) Hassan Abbas Zaki, Cairo.
- Ibn Ashur, Muhammad Tahir, (1420 A.H.): Tafsir al-Tahrir and al-Tanweer known as Ibn Ashur's Tafsir (first edition). Arab History Foundation. Beirut
- Ibn Kathir, Ismail Ibn Umar, (1419 A.H.): Tafsir al-Qur'an al-Azeem, (1the edition). Beirut: Dar al-Kutub Al-Elamiya, pamphlets of Muhammad Ali Beizun.
- Abu al-Saud, Muhammad bin Muhammad, Tafsir Abi al-Saud (1983): (Irshad al-Aql al-Salim to the benefits of the Holy Qur'an), Lebanon, Dar Ihya al-Tarath al-Arabi.
- Abul Fattuh Razi, Hossein bin Ali, Rood (1408 A.D.): al-Jinnan and Ruh al-Jinnan in Tafsir al-Qur'an, (1the edition). Mashhad: A'stan Quds Razavi, Islamic Research Foundation.
- Abu Hamzah Samali, Thabit bin Dinar, (1420 A.H.): Tafsir al-Qur'an al-Karim (first edition), Beirut: Dar al-Mufid.
- Esaadi, Mohammad et al., (2019): Pathology of interpretive currents, first volume, (1the edition). Hozha and University Research Institute.
- Amin, Nusrat Begum, Tafsir Makhzan Al-Irfan in the Sciences of the Qur'an, (1the edition). Bija, Bi Na, Bi Ta.
- Alousi, Mahmoud bin Abdullah, (1415 A.H.): Rooh al-Ma'ani fi Tafsir al-Qur'an al-Azeem and Al-Saba al-Mathani, (1the edition):Beirut: Dar al-Kutub Al-Elamiya, Muhammad Ali Beyzoon's Pamphlets.
- Babaei, Ali Akbar, (1381): Tafseari Schools, Tehran: University and Field Research Institute.
- Babaei and others, Ali Akbar, (2018): Methodology of Qur'an Interpretation, (4th edition) Qom: Hozwa and University Research Center.
- Bahrani, Hashim bin Suleiman, (1415 A.H.): Al-Barhan fi Tafsir al-Qur'an (first edition), Qom: Al-Baath Institute, Section of Islamic Studies.
- Baghvi, Hossein bin Masoud, (1420 A. H.): Ma'alim Al-Tanzil, Lebanon: Dar Ahya Al-Tarath Al-Arabi.
- Pani Patti, Sanaullah, (1412 A.H.): al-Tafsir al-Ahdani (1the edition). Pakistan: Rushdiyeh School.
- Thaalbi, Ahmad bin Muhammad, (1422 A.H.): Al-Sakat wa Bayan al-Ma'roof Tafsir al-Thalabi (1the edition), Beirut: Dar Ihya al-Trath al-Arabi.
- Jurjani, Hossein bin Hassan, (1378): Jalaa Al-Azhan and Jalaa Al-Ahzan (Tafsir Gazer), Tehran: University of Tehran.
- Haqi Barsowi, Ismail bin Mustafa, (1137 A.H.): Tafsir Ruh al-Bayan, (1the edition) Beirut: Dar al-Fikr.
- Hawizi, Abdul Ali bin Juma, Tafsir) 1415 AH (:Noor al-Thaqlain, Qom: Ismailian, 4th edition.
- Khatib, Abdul Karim,( 1424 AH): Al-Tafsir al-Qur'an for the Qur'an, Beirut: Dar al-Fikr al-Arabi, first edition.

- Rezaei Esfahani, & Mohammad Ali, (1382): Textbook of Exegetical Methods and Tendencies, Qom: World Center for Islamic Sciences.
- Rozbahan Bagli, Rozbahan bin Abi Nasr, (2008): Aares al-Bayyan in the facts of the Qur'an, (1the edition). Beirut: Dar al-Kutub Al-Elamiya, Muhammad Ali Beyzoon's pamphlets.
- Zamakhshari, Mahmoud bin Umar, (1417 A.H.): Al-Kashf on the facts of the revelation of revelation and the eyes of the narrators in the interpretations (3rd edition), Beirut: Dar al-Kitab al-Arabi.
- Sultan Ali Shah, Sultan Muhammad bin Haider, (1372): Persian text and translation of Tafsir Sharif Bayan al-Saada fi Maqamat al-Abada, (1the edition). Tehran: Seral Asrar,
- Salmi, Abu Abd al-Rahman Muhammad bin Al-Hussein Al-Salmi, (1369): Al-Salmi's collection of works, (1the edition) Tehran: University Publishing Center.
- Siyuti, Abd al-Rahman bin Abi Bakr, Al-Dur Al-Manthur fi (1404 A.H.): al-Tafsir in Mathur (1the edition). Qom: General Library of Hazrat Ayatollah Grand Ayatollah Murashi Najafi (RA).
- Sadeghi Tehrani, Mohammad, (1386): Criticism on the Study of Religion in Contemporary Philosophy (1the edition). Tehran: Omid Farda.
- Sadeghi Tehrani, Muhammad (1406 A.H.): Al-Furqan in Tafsir al-Qur'an with the Qur'an and Sunnah (2end edition). Qom: Farhang Islamic.
- Sadr, Muhammad Baqir, (1410 A.H.): Darus fi Alam al-Asul, Qom: Al-Nashar al-Islami Institute.
- Tabatabayi, Mohammad Hossein, (2013): Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, (2end edition). Beirut: Est. Al-Alami Publishing House.
- Tabatabayi, Mohammad Hossein, (1390): Al-Mizan fi Tafsir al-Qur'an, Qom, Jamia Madrasin fi Hahuza Al-Alamiya, B.
- Tabarsi, Fazl bin Hasan, (1372): Majma al-Bayan fi Tafsir al-Qur'an (3rd edition), Tehran: Nasser Khosrow.
- Tousi, Muhammad bin Hassan, (1389): Al-Tabyan fi Tafsir al-Qur'an, (1the edition). Beirut: Dar Ihiya al-Tarath al-Arabi, first edition
- Tayeb, Abdul Hossein, (1369 A.H.): Atyeb Bayan fi Tafsir al-Qur'an, 14 volumes, (2end edition). Islam - Iran - Tehra.
- Fakhr Razi, Muhammad bin Omar, (1420 A.H.): Al-Tafsir al-Kabir (Keys of the Ghaib) (3rd edition). Beirut: Dar Ihiya al-Trath al-Arabi.
- Faiz Kashani, Mohammad Bin Shah Mortaza (1415 A.H.): Tafsir al-Safi (2nd edition), Tehran: Al-Sadr Library.
- Qutb, Seyyed (1425 A. H.): In the shadows of the Qur'an (35th edition). Beirut: Dar al-Shoroq.
- Kashani, Fathullah bin Shukarullah, (1300): Manhaj al-Sadiqin fi Zaim al-Makhalfin (first edition). Tehran: Islamia Bookstore.
- Kashfi, Hossein bin Ali, (1176 A.H.): Tafsir Hosseini (Mohabeh Aliyeh) (1the edition). Saravan: Noor Bookstore.

- Motahari, Morteza (1369): Acquaintance with the Qur'an 4 (1the edition). Sadra Press.
- Modab, Seyed Reza, (2016): Methods of Qur'an interpretation (3rd edition.). Qom University Press.
- Nizam al-Araj, Hasan bin Muhammad, (1416 A.H.): Tafsir Gharib al-Qur'an and Raghayb al-Furqan, research by Zakaria Amirat, Lebanon, Dar al-Kutb al-Alamiya.
- Nawi, Muhammad, Marah Labid (1417 A.H.): The meaning of the Holy Qur'an (1the edition). Beirut: Dar al-Kutub Al-Elamiya, Muhammad Ali Beyzoon's pamphlets.

